



نقش جنبش کارگری، در روند تحولات سیاسی ایران

زنده باد اکتبر! زنده باد حکومت شوراها!

(به مناسبت هشتاد و هشتمین سالگرد انقلاب اکتبر)

هشتاد و هشت سال از روزی که پرولتاریای روسیه در ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ با قیام مسلحانه علیه طبقات ستمگر و ارتجاعی قدرت سیاسی را به دست گرفت، سپری گردید. به راستی که تاریخ مبارزه طبقاتی تاکنون رویدادی به عظمت و اهمیت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به خود ندیده است. اکتبر، برهم زنده و زیر و روکننده ی دنیای کهن و بشارت دهنده دوران نوینی در رهائی بشریت ستم دیده و استثمار شده از یوغ ستم و استثمار بود. انقلاب اکتبر در روسیه و استقرار جمهوری شورائی سوسیالیستی، نه فقط عصر جدیدی را در فروپاشی نظام گندیده و رو به افول سرمایه داری گشود، بلکه در عین حال راه رهائی پرولتاریا از انقیاد نظام سرمایه داری را نشان داد و پیام رهائی بخش خود را به گوش میلیون ها کارگر در سراسر جهان رساند. پرولتاریای روسیه و حزب رزمنده ی آن حزب بلشویک، با این انقلاب، نظم ستمگرانه و استثمار گرانه سرمایه داری و بقایای نظامات ماقبل آن را در هم کوفت و بر ویرانه های آن سازماندهی نظم جدیدی را آغاز کرد که اساسش بر نفی مالکیت خصوصی وسائل تولید و مبادله، بر انداختن ستم و استثمار و محور طبقات قرار داشت. اکتبر نه فقط تمامی سرمایه داران و مرتجعین را در سراسر جهان به هراس افکند و زمین زیر پای آنها را به شدت لرزاند، بلکه درخشش خیره کننده ی شوراها بر تارک آن، ناقوس پایان دوران پارلماناریسم را به صدا در آورد و کهنگی دولت های نوع کهن و نهادهای سیاسی آن را نیز مدلل ساخت.

برای اولین بار در تاریخ جهان، حکومت یک کشور چنان سازمان یافت که فقط کارگران و زحمتکشان سازمان های توده ای به نام "شورا" تشکیل داده و اداره امور کشور را به دست گرفتند. شوراها که مدل پیشرفته و تکامل یافته کمون پاریس بود و به لحاظ ساختاری به کلی با نهادهای پیشین متفاوت و متضاد بود، البته در جنبش انقلابی و کارگری روسیه بی سابقه نبود. پیش از آن در جریان انقلاب ۱۹۰۵ و در دل مبارزات پرشور کارگران و زحمتکشان کمیته های کارخانه، کمیته های اعتصاب شکل گرفته بود. این کمیته ها در اجلاس ها و گرد هم آیی های وسیع در مسکو، خود را "شورای نمایندگان و کارگران" نامیدند. این شورا نه فقط سازماندهی و رهبری اعتصاب را پیش می برد، بلکه به فوریت به یک ارگان عمومی سیاسی کارگران تبدیل شد. در پترزبورگ و بسیاری از شهرهای دیگر نیز شوراها از پائین و توسط خود کارگران، دهقانان و سربازان به وجود آمد. لنین از همان سال ۱۹۰۵ بر گسترش فعالیت شوراها تاکید ویژه داشت و از آن به عنوان شکل جنینی حکومت انقلابی یاد می کرد. وی همچنین با کسانی که در زمینه وظایف حزب و شورا درک های مغشوشی ارائه می دادند و بر این اعتقاد بودند که یا حزب باید وجود داشته باشد یا شورا و به یک عبارت در نهایت ادغام یکی از

جمهوری اسلامی در طول تمام دوران موجودیت اش در ایران، نشان داده است که هیچ گاه نمی تواند از چنبره تضادها و بحران هایی که آن را احاطه کرده اند، رهائی یابد.

درست در شرایطی که با سپردن قدرت اجرائی به احمدی نژاد، گروهی از سران رژیم در این پندار به سر می بردند که با تمرکز اصلی ترین ارگان ها و نهادهای دستگاه دولتی در دست یک جناح، تضادها و منازعات در بالا پایان خواهد گرفت و زمینه برای غلبه بر بحران سیاسی هموار خواهد شد، حکومت اسلامی با تضادها و بحرانهای جدی تر روبرو شده است.

نه تنها تضاد میان جناح غالب و مغلوب لاینحل ماند و تشدید شد، بلکه تضادها و منازعات دسته بندی های درونی جناح غالب بر آن افزوده شد. نتیجتاً، بحران درونی هیئت حاکمه پابرجا ماند. بحران سیاسی که حاصل مجموع تضادهای لاینحل جامعه ایران و تشدید مداوم آنهاست، به حیات خود ادامه داد. بحران اقتصادی نیز وارد مرحله جدیدی شد. در این میان، بحران هسته ای و تشدید فشارهای آمریکا و اروپا نیز بر وخامت وضعیت رژیم افزوده است.

تمام فاکت های عینی موجود، به وضوح، چشم انداز عمیق تر شدن بحران سیاسی و توأم با آن گسترش مبارزات توده ای را نشان می دهند.

با این چشم انداز، باید دید که بالاخره این بحران به کجا خواهد انجامید؟

امکانات طبقه حاکم برای مهار این بحران در چه حد است؟ نقش طبقه کارگر در این میان چیست؟ آیا طبقه کارگر در موقعیتی هست که با بحرانی تر شدن اوضاع بتواند مهر خود را بر تمام جنبش بکوبد و این بحران را به شیوه ای انقلابی حل کند؟ نقش جنبش های اجتماعی دیگر، از جمله جنبش زنان، ملیت های تحت ستم، دانشجویان و غیره، در جریان تحول اوضاع چیست؟ تأثیر تحولات منطقه ای به ویژه با توجه به تشدید تضادهای آمریکا و اروپا با جمهوری اسلامی، بر روند این بحران چگونه خواهد بود؟

آنچه که برای پاسخ گویی به این سئوالات، نقش محوری و تعیین کننده خواهد داشت، ارزیابی جنبش های اعتراضی توده ای و در رأس آنها جنبش طبقاتی کارگران ایران است. واقعیت این است که جمهوری اسلامی از مدت ها پیش به پایان خط رسیده است. سیاست های این رژیم در تمام عرصه ها با شکست روبرو شده اند. این شکست بر توده مردم آشکار شده و آنها دیگر نمی خواهند وضع موجود را تحمل کنند. جمهوری اسلامی نیز این حقیقت را بر ملا ساخته که دیگر قادر به حکومت کردن نیست، معذراً این تناقضی است که تا به امروز به حیات خود ادامه داده و توانسته موجودیت اش را حفظ کند. تردیدی نیست که رژیم با تکیه بر نیروی سرکوب، تا همین لحظه خود را بر سر پا نگه داشته است، اما این سرکوب عامل تعیین کننده بقاء رژیمی که

در صفحه ۸

در صفحه ۳

اردوی کار قربانی اصلی ناسامانی های اجتماعی

در این شماره

- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان
- خلاصه ای از اطلاعیه ها
- ۷ و بیانیه های سازمان

به عملیاتی با عنوان "طرح افزایش امنیت اجتماعی" دست زده اند که به تازگی برای یک ماه دیگر اجرای این طرح از سوی "قوه قضاییه" تمدید شده است.

برگزاری این نمایشگاه، نظرات ارایه شده حول آن در داخل و خارج نمایشگاه و اقدامات اخیر نیروهای سرکوبگر، اگر چه نشانه ی حاد شدن روزافزون بحران هایی است که جامعه کنونی با آن

در صفحه ۶

نیروی سرکوبگر انتظامی، روز دوشنبه ۱۲ مهر با برگزاری نمایشگاهی در مجلس فرمایشی اسلامی و با ایجاد غرفه های گوناگون در این به اصطلاح نمایشگاه به بررسی ابعاد بحران اجتماعی حاکم بر ایران، به تصویر کشیدن آن و ارایه ی نقطه نظرهای این نیروی سرکوبگر برای مقابله با آن پرداخت. جدا از این نمایشگاه، به تازگی "نیروی انتظامی" با همکاری "قوه قضاییه" و برخی دیگر از دستگاه های سرکوب،

نقش جنبش کارگری، در روند تحولات سیاسی ایران

اخباری از ایران

اعتراضات کارگران "نازنخ"

در نیمه دوم مهرماه کارگران کارخانه "نازنخ" در ادامه اعتراضات خود، چندین بار اقدام به بستن جاده قزوین به تهران کردند که هر بار نیروی انتظامی به مقابله با کارگران آمده و آن‌ها را متفرق ساخت. متجاوز از ۴۰۰ کارگر "نازنخ" بیش از ۱۸ ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌اند.

اعتراض کارگران در منطقه "عسویه"

۲۰۰ نفر از کارگران شرکت های پیمانکاری منطقه "عسویه" در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات خود از سوی پیمانکار روز ۲۶ مهر، روبروی فازهای ۹ و ۱۰ میدان گازی پارس جنوبی تجمع کردند. تجمع کنندگان خواستار رسیدگی مسئولان فازهای ۹ و ۱۰ به خواسته های خود هستند.

تجمع کارگران "پارسیلون"

بیش از ۲۵۰ کارگر شرکت "پارسیلون" خرم آباد، روز اول آبان در اعتراض به عدم افزایش حقوق و مزایا، عدم اجرای قوانین کار از سوی مدیریت، عدم استخدام رسمی و پرداخت نکردن حق بازنشستگی در محوطه شرکت تجمع کردند. کارگران اعلام کردند که در صورت عدم رسیدگی به خواسته های شان به اعتراض نشسته خود در محوطه شرکت در روزهای آینده نیز ادامه خواهند داد.

تجمع کارگران شرکت "دشت مرغاب"

(یک و یک)

روز یکشنبه ۲۴ مهر، کارگران شرکت دشت مرغاب با تجمع در برابر بخشداری قادرآباد به فروش کارخانه "یک و یک" به شرکت "کشت و صنعت گرگان" اعتراض کردند.

اعتراض کارگران گونی بافی "صبح سعید"

۵۰ نفر از کارگران گونی بافی "صبح سعید" نور در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و هفت ماه مزایای خود، روز ۲۳ مهر، در مقابل اداره کار شهر نور تجمع کردند.

اعتراض بهیاران و بهوزران بابل

بهبیاران و بهوزران مراکز بهداشتی شبکه بهداشت بابل روز ۲۸ مهر، در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زده و در مقابل شبکه بهداشت بابل تجمع کردند.

اعتراض کارکنان شیلات گیلان

۱۴۵ نفر از کارکنان اخراجی سازمان شیلات گیلان در ادامه اعتراضات صنفی خود، روز ۲۳ مهر در برابر وزارت "جهاد کشاورزی" تجمع کردند. کارکنان اخراجی که به دلیل "نبود بودجه!" اخراج شده اند، خواستار برگشت برسر کار خود هستند.

اعتراض کتابداران کتابخانه های عمومی

جمعی از کتابداران کتابخانه های عمومی در مقابل "دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور" روز ۲۴ مهر تجمع کردند. کتابداران به عملکرد دبیرخانه فوق، نحوه پرداخت حقوق و مزایا، شرایط استخدامی و ترکیب فعلی کارکنان دبیرخانه اعتراض دارند. این تجمع در ادامه تجمع کتابداران در تاریخ ۶ مهر برگزار شد.

ونمی تواند بر این جنبش تأثیر بگذارد. در میان ملیت های تحت ستم نیز این گرایش رادیکال در کردستان مشهود است. به رغم این که تحولات عراق و به ویژه بخش کردستان در این کشور، به نفع اهداف، مقاصد و سیاست های احزاب و گروه های سیاسی ناسیونالیست کردستان ایران بود، اما آنچه که در عمل رخ داده است، رشد و تقویت گرایش چپ و رادیکال در جنبش توده ای مردم کردستان ایران بوده است. این جنبش های اجتماعی در روند رشد و ارتقاء خود دریافته اند که راه دیگری جز اتحاد با جنبش طبقه کارگر برای تحقق مطالبات و اهداف آنها وجود ندارد.

بنابراین در حالی که بحران هائی که رژیم با آنها روبروست عمیق تر می شوند وین بست حکومت اسلامی به مرحله ای رسیده است که حتا جناح مغلوب رژیم از سقوط دولت احمدی نژاد، پیش از پایان دوره ریاست جمهوری وی سخن می گوید، جنبش های توده های نیز در حال گسترش و رادیکال تر شدن هستند و جنبش طبقاتی کارگران پیوسته آگاه تر متشکل تر و رزمنده تر در عرصه مبارزه طبقاتی ظاهر می شود.

اینکه سرنوشت جنبش های توده های و مطالبات توده های مردم ایران، لاقفل برای یک دوران چه خواهد شد، رابطه لاینفکی با این مسئله دارد که آیا طبقه کارگران ایران، خواهد توانست در مراحل پیشرفته و نهائی بحران سیاسی موجود هژمونی خود را بر جنبش برقرار کند و تکلیف رژیم را با یک انقلاب یک سره نماید یا نه. اگر روند کنونی رشد و ارتقاء جنبش کارگری با موانع غیر قابل پیش بینی رو به رو نشود و ادامه یابد، این احتمال قوی است که در مراحل پیشرفته بحران سیاسی موجود، هنگامی که طبقه کارگر به عالی ترین اشکال مبارزه از جمله اعتصاب عمومی سیاسی روی آورد، بتواند ابتکار عمل را در رهبری جنبش انقلابی توده های دردست بگیرد. آنچه که می تواند این احتمال را از هم اکنون تقویت کند، تلاش برای متشکل شدن هرچه بیشتر کارگران و ایجاد تشکل های مستقل از دولت توسط آنهاست.

کمیته های کارخانه که رادیکال ترین تشکل های کارگری در نقطه تولیداند و در دسترس همیشگی کارگران قراردارند، می توانند نقش مهمی در این روند متشکل شدن کارگران و مداخله آنها در روند تحولات سیاسی جامعه ایفا نمایند.

کمیته های کارخانه که دربرگیرنده کارگران هرکارخانه و واحد تولید، مستقل از گرایشات سیاسی آنها هستند و اساسا تشکل هائی غیر حزبی اند، به علت قابلیت انعطاف خود، نه تنها اکنون قادرند حتا مبارزه برای جزئی ترین مطالبات اقتصادی کارگران را سازماندهی و رهبری کنند، بلکه بنا به خصلت رادیکال خود، در شرایط رشد بحران و اعتلاء جنبش به سرعت می توانند به کمیته های اعتصاب ارتقاء یابند و جنبش طبقاتی کارگران را به مراحل عالی تری سازماندهی و رهبری کنند. بنابراین، تشکلی مناسب اوضاع سیاسی متفاوت اند که بسته به این اوضاع سیاسی حتا می توانند به صورت تشکل های مخفی

دهند و تبلیغ می کنند، به این مبارزه خصلتی سیاسی داده اند. رشد روحیه رزمندگی، مبارزه جوئی و آگاهی در صفوف کارگران را در این واقعیت نیز می توان به وضوح دید که آنها سرسختانه در برابر اخراج و توطئه های سرمایه داری برای تعطیل برخی مؤسسات می ایستند.

اغلب برای کم بها دادن به وزن و اهمیت جنبش کارگری و مبارزات کارگران، ادعا می شود که این مبارزه صرفا تدافعی و برای گرفتن دستمزد و مطالبات معوقه است. اما واقعیت مسئله این نیست. در اینجا مبارزه ای میان کارگران و سرمایه داران بر سر مسئله اشتغال و اخراج در جریان است. سرمایه داران و دولت آنها، به هر علتی می خواهند برخی کارخانه ها و مؤسسات را موقتا و با دائمی تعطیل کنند و کارگران را اخراج نمایند. اما کارگران ایستادگی می کنند و اجازه نمی دهند که به سادگی بیکار شوند. بخش بزرگی از کارگرانی که حقوق و مطالبات آنهاچندین ماه و گاه بیش از یک سال به تعویق افتاده است، با چنین شرایطی روبرو هستند.

سرمایه دار، کارخانه و یا دیگر مؤسسه تولیدی را تعطیل کرده است، می خواهد کارگران را اخراج کند، اما کارگران به این اخراج تن نمی دهند. خود را همچنان کارگر کارخانه می دانند و خواهان حقوق و مطالبات معوقه خود هستند. این مسئله ای به کلی متفاوت از به تعویق افتادن دستمزد کارگرانی است که در یک کارخانه فعال کاری کنند. تلاش کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل خود، به رغم موانع قانونی و سرکوب گری های رژیم نیز نشانه دیگری از رشد روز افزون آگاهی و همبستگی در صفوف کارگران و ارتقاء سطح مبارزاتی و روحیه رزمندگی آنهاست.

تمام شواهد موجود نشان می دهند که جنبش کارگری در ایران، روز به روز رادیکال تر می شود و به لحاظ سطح آگاهی و تشکل ارتقاء می یابد. گرچه هنوز جنبش طبقاتی کارگران از مرحله ای که بتواند به عنوان جنبش آگاهانه طبقه کارگر، نقش قطعی را ایفا کند، فاصله دارد، اما سرعت تحولات و پیویائی درونی این جنبش، نوید می دهد که به زودی این فاصله برداشته خواهد شد.

در جنب جنبش طبقاتی کارگران، جنبش های اجتماعی دیگر نیز در طول چند سال اخیر، پیوسته رادیکال تر شده اند. جنبش زنان ایران که تا همین چند سال پیش زیر نفوذ و گرایش زنان بورژوا-لیبرال قرار داشت، از این گرایش فاصله می گیرد و گرایش چپ و رادیکال که تحقق مطالبات جنبش زنان را در پیوند با جنبش کارگری و مبارزات آن می داند، تقویت شده است. همین رادیکالیسم و گرایش به چپ در جنبش دانشجویی نیز به وضوح دیده می شود.

این جنبش که زمانی دربست طرفدار اصلاح طلبان حکومتی بود، اکنون از آنها فاصله گرفته است. در یک سر این جنبش، گرایش سوسیالیستی و جانبداری از طبقه کارگر رشد کرده است و طیف راست آن را دانشجویان جمهوریخواه تشکیل می دهند. نقش و نفوذ دانشجویان طرفدار رژیم در این جنبش اکنون به حدی ناچیز است که اصلا به حساب نمی آید

اعتراضات دانشجویی

- دانشجویان دانشگاه "طباطبایی" تهران روز ۲۳ مهر در اعتراض به وضعیت غذای خوابگاه ها تجمع کرده و ضمن راه پیمایی در خیابان های اطراف، مدتی نیز اتوبان همت را مسدود کردند. دانشجویان غذای خود را در نایلون ریخته و خواستار بهبود کیفیت غذا و افزایش امکانات رفاهی خوابگاه شدند. دانشجویان شعار می دادند: "زندانی علامه آزاد باید گردد".

- در تاریخ ۲۳ مهر، دانشجویان دانشگاه آزاد نجف آباد در اعتراض به عملکرد حراست دانشگاه و طرح جداسازی دختران و پسران تجمع کردند. در جریان این تجمع که در دانشکده فنی دانشگاه روی داد، دانشجویان شعار "حراست حیا کن، دانشگاه را رها کن" سر داده و شیشه ها و برخی از لوازم اداری دانشگاه را شکستند.

- بیش از ۳۰۰۰ دانشجوی دانشگاه "بهشتی" تهران در اعتراض به وضعیت وخیم رفاهی خود دست به اعتراض زدند. این اعتراض که از قسمت خوابگاه دختران و در اعتراض به قطع آب آغاز شده بود، با حمایت دانشجویان پسر روبرو شد. دانشجویان در شعارهای شان خواستار استعفای رییس دانشگاه شده و شعار می دادند: "نو روزه آب نداریم، اعتراض حق مسلم ماست"، "حراست برو گمشو"، "گوشت الاغ از زونی تون، افطاری نمی خولیم از تون". دانشجویان هم چنین دست به روشن کردن آتش در محوطه خوابگاه زدند که عوامل حراست یک ماشین آتش نشانی برای خاموش کردن آتش به آن جا آوردند که با حمله دانشجویان، ماشین آتش نشانی محل را ترک کرد. این اعتراض که تا حدود نیمه شب ادامه داشت، با سرود خوانی دانشجویان (بار دبستانی من) همراه بود.

- ۳۰۰ نفر از دانشجویان نیمه حضوری دانشگاه لرستان روز ۲۴ مهر و برای دومین بار طی دو هفته اخیر، در اعتراض به کمبود فضای آموزشی، نداشتن سرویس رفت و آمد، بالا بودن شهریه، نبود اساتید مجرب و سایر خواسته های خود در محل دانشگاه دست به تجمع زدند.

پاز هم خودکشی کارگران

روز یکشنبه ۲۴ مهر یک کارگر سابق چیت سازی به شهر دست به خودکشی زد. وی ساعت ۵ صبح به بالای تیر برق یکی از خیابان های به شهر رفته و خود را به پایین پرت نمود. وی دارای همسر و فرزند بود که به دلیل تعطیلی کارخانه به اجبار باز خرید شده و پس از ماه ها اعتراض توانسته بود مبلغی را به صورت اقساطی دریافت نماید.

هم چنین یک زن ۴۵ ساله که روز ۱۹ مهر در بیمارستان ۵ آذر گرگان بستری شده و به علت عدم توان مالی در پرداخت هزینه بیمارستان قادر به ترک بیمارستان نبود، پس از چند روز از ساختمان بیمارستان خود را پرت کرده و خودکشی کرد.

اطلاعیه کارگران ایران خودرو

جمعی از کارگران ایران خودرو با انتشار اطلاعیه ای از حرکت کارگران شرکت واحد در روز دوشنبه ۲۵ مهر حمایت کردند. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «آزادی تشکیل تشکل های کارگری مستقل از دخالت دولت حق مسلم ما کارگران است. هیچکس حق ندارد از تشکیل تشکل های کارگری جلوگیری کند و یا کارگران

از صفحه ۲ زنده باد اکتبر! زنده باد حکومت شوراهای!

(به مناسبت هشتاد و هشتمین سالگرد انقلاب اکتبر)

نخواهید یافت."

معهدا موانع متعددی بر سر راه پیشروی پرولتاریا موجود بود. در سایه حمایت حکومت موقت که در آن حزب کادت ها یعنی حزب عمده سرمایه داران به عنوان یک حزب حاکمه نخستین مقام را دارا بود، نیروهای ضد انقلاب، ژنرال ها، افسران ارتش و بورژوا- ملاکان خود را متشکل نموده و در تدارک سرکوب کارگران و دمکراسی انقلابی بودند. سرمایه داران با استفاده از مشاورت منشیویک ها و SR ها که اکنون در برخی از مناصب و پست های دولتی مشغول خوش بختی به این طبقه بودند، کار را با دفع الوقت و بهانه تراشی می گذرانند تا فرصت به دست آورند. آنها تمامی خواست ها، مطالبات و مسائلی را که برای کارگران و زحمتکشان مهم و ضروری بود، به آینده و به دعوت مجلس

مؤسسان موکول می کردند آن هم بدون آن که موعد آن را تعیین کنند و هیچ چیز جز مستی وعده توخالی به کارگران ندادند. حکومت موقت نه تنها آشکارا از سرمایه داران حمایت می کرد و نه تنها حتی یک قدم کوچک برای گسترش انقلاب برنداشت، بلکه می کوشید سیر انقلاب را با احتیاط هر چه بیشتر و نا مشهودتر ترمز کند و دستاوردهای کارگری از جمله اختیارات کمیته های کارخانه در زمینه کنترل و بازرسی امور کارخانه را نیز باز پس گیرد.

اما کارگران، زحمتکشان و سربازان آگاهی که در مدرسه انقلاب آموزش یافته بودند، نه تنها به این عقب گردها رضایت نداشتند بلکه در فکر پیشروی و فتح سنگر های جدید بودند. آنان از همان روز های نخستین انقلاب فوریه به تشکیل شوراهای روی آوردند و در ظرف تنها چند هفته در اکثر شهر های بزرگ روسیه همه افراد آگاه و پیشرو طبقه کارگر در شوراهای گرد آمده بودند. در حالی که بلشویک ها از تمام قدرت به دست شوراهای دفاع می کردند، اما منشیویک ها که اکثریت را در شوراهای داشتند مخالف این مسئله بودند و در ادامه تاکتیک های سازش کارانه خود برای تشکیل یک حکومت مشترک با بورژوازی تلاش می کردند.

موانع موجود بر سر راه پیشروی پرولتاریا و تعمیق انقلاب و گذار آن به مرحله ای عالی تر، تنها حکومت موقت و منشیویک ها و سایر حامیان آنها نبودند. توهمات موجود در کمیته مرکزی حزب بلشویک نیز به مانی برای اتخاذ تاکتیک اصولی و رادیکال تبدیل شده بود.

وقتی که حکومت موقت ترفندی جدید یعنی تشکیل کنفرانسی به نام "کنفرانس دمکراتیک کشوری" را مطرح کرد تا گروه ها و احزاب سیاسی مختلف از جمله کادت ها، با ایجاد یک ائتلاف، شکل حکومت آتی را تعیین کنند و یک "پیش پارلمان" ی را تشکیل دهند، کمیته مرکزی حزب بلشویک نیز خوش خیالانه امیدهای خود را به این کنفرانس گره زد. در حالی که کمیته مرکزی حزب بلشویک در حال تهیه پلاتفرمی برای ارائه به این کنفرانس بود، لنین که هنوز در مخفی گاه به سر می برد، از این سیاست به شدت

این دونهاد را در دیگری مطرح می کردند، مرز بندی داشت. در هر حال به رغم شکست انقلاب ۱۹۰۵ و سرکوب کمیته ها و شوراهای، اما کارگران تجربه تشکیل و فعالیت این ارگان ها را فراموش نکردند و بسیاری از کمیته ها به فعالیت مخفی روی آوردند. تا این که در جریان انقلاب فوریه ۱۹۱۷ کمیته های کارخانه و شوراهای در ابعاد بسیار وسیع تری پا به عرصه وجود گذاشتند. با اعتصاب زنان کارگر نساجی سن پترزبورگ در ۲۳ فوریه ۱۹۱۷، موجی از اعتراضات کارگری و شورش های شهری آغاز گردید. با اعتصابات متعدد در کارخانه ها و مراکز کارگری، تظاهرات توده ای و سرازیر شدن کارگران از کارخانه به خیابان و سرانجام یک اعتصاب عمومی سیاسی، ظرف کمتر از یک هفته تمام پترزبورگ به دست کارگران افتاد. انقلاب از پترزبورگ به سراسر روسیه گسترش یافت. شکل شورائی سازمان، ابتدا در مناطق صنعتی و سپس بین سربازان، ملوانان و دهقانان دوباره پدیدار گشت. تزار برکنار و حکومت موقت تشکیل شد. بدین سان در کنار حکومت موقت و تلاش آن برای تشکیل یک حکومت ائتلافی دیگر با شرکت سرمایه داران در عمل یک حکومت غیر رسمی، تازه و تکامل نیافته ای که هنوز البته ضعیف بود نیز به وجود آمده بود که نماینده منافع پرولتاریا و کلیه اهالی تهیدست شهر و روستا بود. این حکومت در واقع شورای نمایندگان کارگران پترزبورگ بود. شورای نمایندگان کارگران، سازمانی متعلق به کارگران و نطفه دولت کارگری بود.

طبقه کارگر اما به رغم جانفشانی ها و مبارزات شورانگیز خود نتوانست قدرت را به دست گیرد و قدرت سیاسی به دست بورژوازی افتاد. نفوذ گرایشات بورژوائی و خرده بورژوائی در صفوف کارگران، موجب آن شد که بسیاری از شوراهای کارگری به رهبری بورژوازی تمکین کنند. فوریه تا اکتبر کشاکش میان نیروهای انقلاب و ضد انقلاب که این بار در هیئت حکومت موقت به ریاست کرنسکی تجسم یافته بود، ادامه یافت. همه شواهد حاکی از آن بود که روسیه از یک مقطع خاص تاریخی انتقال به مرحله بعدی انقلاب گذر می کند. لنین در مارس ۱۹۱۷ باز هم خطاب به کارگران برای ایجاد "تشکل پرولتاریائی"، برپایه تجارب کمون پاریس و انقلاب ۱۹۰۵ بر ایجاد شوراهای در تمامی مناطق روسیه اصرار نمود و از آن به عنوان یک وظیفه یاد کرد و حتی پیروزی با دوام انقلاب را به شکل گیری گسترده شوراهای و دخالت هر چه بیشتر توده های کارگر در اداره امور کشور از طریق شوراهای گره زد.

"رفقای کارگر! شما دیروز در سرنوینی سلطنت تزاری از رشادت پرولتاریائی معجزه ها آفریدید. بر آینده ای نه چندان دور (شاید همین حالا که این سطور نوشته می شوند) بار دیگر ناگزیر می شوید که همان معجزات قهرمانانه رادر سرنوینی ملاکان و سرمایه داران که این جنگ امپریالیستی را به پیش می برند، تکرار کنید و اگر در امر تشکیل پرولتاریائی اعجاز نکنید در این انقلاب واقعی آتی به پیروزی بادوام دست

اخبار کارگری جهان

اعتصاب کارگران در آمریکا

روز ۲۲ اکتبر بیش از ۱۸ هزار نفر کارگر ۳ کارخانه شرکت بوئینگ، سازنده قطعات هواپیما، در آمریکا به اعتصاب ۲۴ روزه خود خاتمه دادند. در آخرین روزهای ماه سپتامبر این کارگران با خواست افزایش دستمزدها، عدم افزایش حق بیمه های درمانی، یکسان سازی دستمزد کارگران در کارخانه های مختلف این شرکت و بالاخره پرداخت بیمه درمانی به کارگران تازه استخدام شده دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. مدیریت این شرکت در آغاز تلاش نمود تا از طرق مختلف کارگران را وادار سازد تا به اعتصاب خود خاتمه داده و قراردادهای دسته جمعی مربوط به ۳ سال آینده را به ارزان ترین شکل ممکن برای سرمایه داران تنظیم کند. اما این تلاش ها با دیوار مقاومت کارگران برخورد کرده و سرانجام این کارگران بودند که پیروز از این اعتصاب بیرون آمدند. مدیریت بوئینگ با پذیرش تقریباً تمامی خواسته های کارگران، از اعتصابیون خواست تا اعتصاب خود را در روز ۲۲ اکتبر خاتمه دهند.

روز ۲۲ سپتامبر تمامی رانندگان اتوبوس های شهری در شهر Austin در ایالت تگزاس دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. رانندگان با تصمیم جدید مدیریت شرکت مترو و اتوبوس شهری مبنی بر کاهش دستمزدها به میزان ۶ درصد مخالف هستند. در این روز بیش از ۴۰۰ راننده اعتصابی در مقابل ساختمان مرکزی این شرکت تجمع نموده و با پخش صد ها اعلامیه در میان مردم، دلایل این اعتصاب را بیان نمودند. اعتصابیون اعلام نمودند که این اعتراضات تا عقب نشینی کارفرما ادامه خواهد یافت.

روز ۹ اکتبر بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران شرکت تلفن Sprint در ۴ ایالت آمریکا دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این اعتصاب در اعتراض به کاهش حقوق کارگران در قراردادهای دسته جمعی ۳ سال آینده انجام گرفت. مدیریت این شرکت در طرح پیشنهادی خود نه تنها دستمزد کارگران را کاهش داده، بلکه سهم بیمه های درمانی کارگران را نیز به بهانه تشدید رقابت با دیگر سرمایه داران نزدیک به ۱۰۰ درصد افزایش داده است. علاوه بر این سرمایه داران خواهان خصوصی سازی بخش بیشتری از تولیدات جنبی این کارخانه و کاهش میزان پرداخت حق بازنشستگی کارگران هستند. این تجاوز آشکار به حقوقی که کارگران سالها برای تحقق آنها مبارزه کردند، خشم کارگران را برافروخته و در دیگر ایالات نیز تعدادی از کارگران خطوط تلفن دست به اعتصاب زدند و همبستگی خود را با اعتصابیون Sprint اعلام نمودند.

اعتصاب عمومی در اندونزی

در آخرین روزهای ماه سپتامبر دولت اندونزی اعلام نمود که سوبسید های دولتی به قیمت مواد سوختی و بخشی از کالاهای اساسی کاهش خواهد یافت. با اعلام این خبر، که مستقیماً از سوی مراکز مالی امپریالیستی به دولت این کشور دیکته شده، قیمت مواد سوختی و یکرشته از کالاهای اساسی مورد استفاده میلیونها کارگر

از صفحه ۱۲

نقش جنبش کارگری، ...

وعلی عمل کنند. درحالی که دیگر تشکل های کارگری از جمله سندیکا از این خصوصیات برخوردار نیستند. این البته بدان معنا نیست که کمیته های کارخانه، شکل مطلق تشکل غیر حزبی کارگران در شرایط کنونی اند. بسته به شرایط و سنت های مبارزاتی کارگران، می تواند تشکل های توده ای دیگری نیز شکل بگیرند و شکل گرفته اند. به هر حال آن چه که حائز اهمیت جدی است، متشکل شدن کارگران و ایجاد تشکل های مستقل اند که می توانند روند تأثیر گذاری و مداخله طبقه کارگر را در تحولات سیاسی جامعه ایران تسریع کنند.

اگر طبقه کارگر نتواند نقش قطعی و تعیین کننده را در جریان این تحولات ایفاء نماید، چشم انداز روشنی در برابر توده های وسیع مردم و تحقق مطالبات آنها وجود نخواهد داشت. در نهایت دوباره می تواند قدرت از دست یک جناح به جناح دیگر آن انتقال یابد. بورژوازی ایران البته بیچاره ننشسته است و همواره آلترناتیوهای متعددی برای شرایط مختلف دارد. هم اکنون شاهدیم که دارودسته های مختلفی که حول محور رفسنجانی- خاتمی گرد هم آمده اند خود را برای به دست گرفتن مجدد تمام قدرت آماده می کنند. اینان نه تنها از حمایت بخش بزرگی از بورژوازی ایران و قشر خرده بورژوازی مرفهی که در دروان زمامداری آنها به نان و نوایی رسیده است، برخوردارند، بلکه بورژوازی بین المللی نیز از آنها حمایت و پشتیبانی می کند و آنها را مناسب ترین آلترناتیو اوضاع کنونی می داند. به قدرت رسیدن مجدد این جناح، نه تنها توده مردم را از شر حکومت اسلامی و فجایع بی شمار آن رها نخواهد ساخت، بلکه فشارمادی افزون تری را به توده های کارگر و زحمتکش تحمیل خواهد کرد.

اما این تنها یک احتمال است. احتمالات تیره و تارتری نیز وجود خواهد داشت، اگر تکلیف این بحران به زودی یکسر نشود. نمی توان تأثیر تحولات منطقه خاور میانه، بحران عراق و سیاست های امپریالیستی را بر اوضاع ایران نادیده گرفت.

این واقعیتی است که به رغم تشدید اختلافات جمهوری اسلامی با آمریکا و اروپا، در لحظه

کنونی بنا به علل سیاسی و نظامی، احتمال وقوع جنگ منتهی است، اما سرنوشت آینده منطقه خاور میانه و به ویژه عراق هنوز ناروشن است. تشدید بحران در عراق می تواند به سراسر منطقه کشیده شود و در چنین شرایطی سیاست های امپریالیستی جدیدی در کل کشورهای منطقه در دستور کار قرار گیرد. اگر این احتمال را عجلتاً کنار بگذاریم، در همین لحظه نیز وقایعی در ایران در حال رخ دادن است که نمی توان به سادگی از کنار آنها گذشت. بمب گذاری های چند ماه اخیر در خوزستان، تنها یکی از این حوادث است که می تواند اثرات و نتایج مخربی در آینده به بار آورد. مسئله هم صرفاً به این خلاصه نمی شود که بمب گذاری ها و مقابلاً تشدید اقدامات سرکوبگرانه و امنیتی رژیم، تماماً اقداماتی به زیان کارگران است. در پی این بمب گذاری ها، رژیم اقدامات سرکوبگرانه علیه مردم خوزستان را تشدید کرده است. گروه کثیری از مردم را دستگیر و زیر فشار بازجویی و زندان قرار داده است. انتشار مطبوعات به زبان عربی را ممنوع کرده است. هر اعتراضی را نیز با قهر و سرکوب پاسخ می دهد. این سیاست سرکوبگرانه و ارتجاعی رژیم، گریشات ناسیونالیستی را در میان مردم عرب زبان منطقه رشد می دهد. ادامه این روند، می تواند تدریجاً به نقطه ای بیانجامد که به جای چند ناسیونالیست تروریست، یک جنبش ناسیونالیستی توده ای ارتجاعی شکل بگیرد که دیگر نزاع آن با رژیم حاکم نخواهد بود، بلکه تسویه حساب با عرب و غیر عرب را در دستور کار قرار خواهد داد. این می تواند هم اکنون جزئی از سیاست امپریالیسم آمریکا و انگلیس در قبال مسئله ایران باشد. امپریالیسم، تنها از طریق لشکر کشی نظامی برای پیشبرد سیاست های خود تلاش نمی کند، بلکه به طرق مختلف و با استفاده از ابزار ها و تاکتیکهای متنوع اهداف خود را عملی می سازد.

با توجه به تمام واقعیت ها و احتمالاتی که مطرح گردید، روشن می گردد که تنها برافتادن هر چه سریع تر جمهوری اسلامی از طریق انقلابی که زمام آن در دست طبقه کارگر ایران باشد و استقرار نظامی شورائی که توده های مردم از طریق آن بتوانند بر سرنوشت خود حاکم گردند و مطالبات خود را عملی سازند، یگانه راه برای حل انقلابی بحرانهای موجود است. راه دیگری برای نجات توده های مردم ایران وجود ندارد.

هزاران نفر کارگر، دانشجو و جوان بیچاره مناطق مرکزی شهر را مسدود نمودند و خواستار توقف اقدامات دولت شدند. تظاهرات و اعتراضات در روزهای دیگر نیز ادامه یافت و هنوز خبری از افزایش قیمت ها نیست.

اعتصاب کارگران در غنا

روز ۱۷ اکتبر کارگران خدمات روی زمین تنها فرودگاه بین المللی غنا در شهر اکرا، پایتخت این کشور، دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. کارگران اعتصابی خواستار افزایش دستمزد ها به میزان ۵۰ درصد هستند. این اعتصاب پرواز صد ها هواپیما را متوقف ساخت. این اقدام کارگران پس از چند هفته تلاش بی نتیجه نمایندگان آنان برای توافق با نمایندگان کارفرما پشت میزهای مذاکره انجام گرفت. نمایندگان کارفرما تشدید رقابت میان صدها خطوط هوایی

زنده باد اکتبر! . . .

انتقاد کرد و تاکید نمود که تصمیمات نه در این گونه مجالس، بلکه در کوی کارگری مسکو و پتروگراد گرفته خواهد شد. با وجود این هشدار لنین، اما کمیته مرکزی حزب هنوز در مورد "پیش پارلمان" توهم داشت. کمیته مرکزی حزب بلشویک در ۲۰ سپتامبر و در جلسه ای که در آن کمیته پتروگراد حزب نیز حضور داشت، با ۷۷ رأی در برای ۵۵ رأی شرکت در "پیش پارلمان" را تصویب کرد. بدین ترتیب قطعنامه ای که توسط منشویک ها برای تشکیل حکومت ائتلافی دیگری با شرکت سرمایه داران نوشته شده بود، در ۲۳ سپتامبر در این کنفرانس تصویب شد و یک بار دیگر راه بر کرنسکی برای تنفس هرچند موقتی و جهت معرفی کابینه جدید هموار شد. لنین در اواخر سپتامبر در نوشته ای به نام "بحران رسیده و نضج یافته است" بار دیگر کمیته مرکزی حزب را به انتقاد گرفت و آن را به نادیده گرفتن نظرات و هشدارهای خود متهم کرد و همچنین به عنوان اعتراض اظهار کرد که از کمیته مرکزی کناره خواهد گرفت و در صفوف

پائین حزب به تبلیغ و ترویج خواهد پرداخت. پیشرفت مبارزه طبقاتی سلب اعتماد ناآگاهانه توده های مردم از سرمایه داران به ویژه سلب اعتماد بسیاری از کارگران از منشویک ها و رویکرد اکثریت شوراهای به سمت بلشویک ها را در پی داشت.

در دوم اکتبر شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد، در قطعنامه ای ضرورت انتقال قدرت به شوراهای را اعلام کرد. در اجتماعات متعددی که از سوی کارگران برپا شد، تصرف قدرت سیاسی و ضرورت انتقال آن به شوراهای عنوان می شد.

در دومین کنفرانس کمیته های کارخانه مسکو نیز که در اوائل اکتبر برگزار شد، کارگران با تصویب قطعنامه ای خواستار انتقال فوری قدرت به دست شوراهای شدند. به دنبال آن نخستین کنفرانس کمیته های کارخانه سراسر روسیه (۲۲-۱۷ اکتبر) نیز خواستار انتقال فوری قدرت به شوراهای شد. حتا برخی از اتحادیه ها نیز از این خواست حمایت کردند. انتقال قدرت سیاسی به شوراهای، در مرکز خواستهای کارگری و تشکلات آنان قرار گرفت.

به هر رو با این رویدادها و همچنین به دنبال خروج اعتراض آمیز لنین علیه کمیته مرکزی، کمیته مرکزی حزب بلشویک تصمیم گرفت "پیش پارلمان" دست پخت کادت ها و شرکاء آنها را تحریم کند. "پیش پارلمان" در هفتم اکتبر توسط کرنسکی گشایش یافت. گروه ۵۳ نفره ای که از طرف بلشویک ها در این جلسه شرکت کرده بودند، پس از قرائت بیانیه خود که در آن به تحریم "پیش پارلمان" اشاره شده و از آن و همچنین از حکومت موقت به عنوان آلت دست بورژوازی یاد شده و مجموعه چنین تلاش هائی محکوم شده بود، جلسه را ترک کردند. معهدا تحریم ترنندهای بورژوازی و حکومت موقت توسط حزب بلشویک و کمیته مرکزی آن، هنوز به معنی آن نبود که کمیته مرکزی بر تردیدهای خود به نفع اتخاذ تاکتیک های رادیکال غلبه کرده است. اما این بار حضور لنین در جلسه ۱۰ اکتبر کمیته مرکزی تردیدها را از میان برداشت و کفه ی ترازو را به نفع اتخاذ یک تاکتیک رادیکال

برگرفته از شرایط واقعی مبارزه یعنی قیام مسلحانه جابه جا کرد.

در این زمان در اکثر کارخانه ها به ویژه در کارخانه های بزرگ در پتروگراد، یک گارد سرخ به وجود آمده بود. به عنوان نمونه تنها در کارخانه پوتیلوف ۲۰۰۰ کارگر در گارد سرخ متشکل شده بودند. ۱۶ اکتبر کمیته مرکزی با اکثریت ۱۹ رأی در برابر ۲ رأی تدارک فوری قیام را تأیید کرد. و چند روز پس از آن با قیام مسلحانه کارگران و زحمتکشان و سربازان و تصرف کاخ زمستانی در ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷، پرچم انقلاب سوسیالیستی و حاکمیت شوراهای روسیه به اهتزاز در آمد.

شورا که در مرحله خاصی از تاریخ مبارزه طبقاتی در روسیه و در دل مبارزات کارگری شکل گرفت، گرچه پدیده نوینی بود که در شرایط مشخص روسیه پدید آمده بود، اما به یک شکل عمومی تشکل و ابزار اعمال قدرت کارگری تبدیل گردید. شورا اگر چه در انقلاب اکتبر برای نخستین بار به مثابه شکل مشخص اعمال دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه ظهور کرد، اما جنبش شورائی در محدوده اولین کشور شوراهای باقی نماند و در سرتاسر جهان از جایگاه ویژه ای برخوردار شد.

تجزیه انقلاب اکتبر نشان داد که پرولتاریا در مبارزه علیه بورژوازی برای نابودی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم، راهی بس دشوار، پیچیده و پرفراز نشیبی راباید طی کند. پیچیدگی راه و دشواری مبارزه تنها تا کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر نیست. بلکه پس از قبضه قدرت سیاسی و در مسیر نابودی تام و تمام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم نیز این دشواری ها و پیچیدگی ها در اشکال دیگری ادامه خواهد یافت و پرولتاریا باید با انحرافات رنگارنگ به طور مداوم و بی امان مبارزه کند و با انقلاب مداوم خود و تمامی جامعه رادگرگون سازد.

گرچه علل و عوامل شکست انقلاب اکتبر ویا انحرافات آن در این جا مورد بحث نیست، اما بنا به اهمیت بی برو برگرد شوراهای و حاکمیت شورائی، به عنوان یکی و فقط یکی از این انحرافات می توان از انحرافات بوروکراتیک در شوراهای (و حزب) یاد نمود. لنین با تیز بینی یک رهبر آگاه و انقلابی که علائم کج روی ها و انحرافات بوروکراتیک در شوراهای را دیده بود،

در همان سال ها چنین هشدار می دهد:

"برای تکامل سازمان شوراهای و حکومت شوروی باید بی اندک سستی کار کرد، برای تبدیل اعضای شوراهای به پارلمان نشین و یا از طرف دیگر به بوروکراتیک تمایل خرده بورژوائی وجود دارد. علیه این تمایل باید از طریق جلب تمام اعضای شوراهای به شرکت عملی در اداره امور مبارزه کرد" (وظائف نوینی حکومت شورائی)

به رغم اینها اما هشتماد و هشتاد سال پس از انقلاب اکتبر، انقلاب سوسیالیستی اکتبر و حاکمیت شورائی همچنان قطب نمای کمونیست هاست. به قول لنین: "مسئله اساسی آن است که یخ از جا کنده شده و به حرکت در آمده است، جاده باز شده، راه نشان داده شده است" پس بگذار بار دیگر در هشتماد و هشتمین سالگرد انقلاب اکتبر بر اعتقاد خود به راه اکتبر و اندیشه های لنینی پای بفشاریم و بگوئیم:

زنده باد اکتبر! زنده باد حکومت شوراهای!

از صفحه ۴

اخبار کارگری جهان

را بهانه قرار داده و از کارگران می خواهند تا با گردن گذاشتن به فقر بیشتر، قدرت رقابت سرمایه داران را تقویت کنند. برغم فشارهای متعدد، اما هنوز خبری از عقب نشینی کارگران اعتصابی نیست.

قتل نماینده کارگران در فیلیپین

روز ۲۲ سپتامبر Diosdado Fortuna نماینده مبارز کارگران کارخانجات مواد غذایی نسلته در فیلیپین هدف گلوله مزدوران سرمایه قرار گرفت و جان باخت. Diosdado در راه بود تا با حضور در جمع صد ها کارگر اعتصابی یکی دیگر از کارخانجات مواد غذایی پیام همبستگی کارگران نسلته را به گوش همزنجیران آنان برساند. در رابطه با ترور این کارگر، کارزار وسیعی از سوی یکرشته از اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف اروپائی به راه افتاده که خواهان شناسائی، دستگیری و محاکمه قاتلین این رهبر مبارز کارگران نسلته شدند.

اعتصاب نفتگران آرژانتین

روز ۱۵ اکتبر بیش از ۲۸ هزار کارگر صنایع نفت آرژانتین در شهرهای مختلف دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. این اعتصاب در پی مخالفت مقامات وزارت نفت این کشور با خواست کارگران مبنی بر افزایش دستمزدها به میزان ۸۸ دلار در ماه انجام گرفت. در همان روز آغاز این اعتصاب، مذاکرات نمایندگان کارگران و کارفرما نیز آغاز شد. با ادامه مخالفت نمایندگان دولت، نمایندگان کارگران نیز مذاکره را ترک کرده و از کارگران خواستند که اعتصاب ۲۴ ساعته خود را ادامه دهند. اکنون چند روز از آغاز این اعتصاب می گذرد و تمام تلاش های نمایندگان کارفرما برای خاتمه دادن به این اعتصاب هنوز به جایی نرسیده است. در روزهای بعد، موجی از همبستگی با نفتگران اعتصابی سراسر آرژانتین را فرا گرفت. کارگران در یکرشته از مراکز نیمه تعطیل صنعتی دست به اعتصاب زدند و از نمایندگان دولت خواستند که با خواست افزایش دستمزد ناچیز کارگران موافقت نمایند.

کمک های مالی

کانادا

نقیسه ناصری ۱۰ دلار
ستاره ۲۰ دلار
لاکومه ۵۰ دلار
یاشار ۱۰۰ دلار

آمریکا

به یاد رفقا :
رفیق رشید حسنی ۱۰۰ دلار
رفیق ناصر ممی وند ۱۰۰ دلار
رفیق مهدی یوسف ۱۰۰ دلار
رفیق پرویز عنذلیب زاده ۱۰۰ دلار
شاپور جلیلی ۱۰۰ دلار

اردوی کار قربانی اصلی نابسامانی های اجتماعی

دست به گریبان است، اما نظرات حاکمان اسلامی و از جمله "نیروی انتظامی" و اقدامات مرتبط با آن چیز جدیدی نیست. این حرف ها و اقدامات، ۲۷ سال است که مدام از سوی سردمداران حکومت و نوچه های اش گفته و عمل شده و هیچ نتیجه ای در بر نداشته است. تنها نتیجه واقعی این قبیل اقدامات ایجاد هر چه بیشتر جو سرکوب و حاکم کردن فضای رعب بر جامعه است. کافی است که اقدامات اخیر را در کنار برگزاری مانور مشترک نیروی انتظامی و بسیج برای مقابله با "شورش های خیابانی" قرار دهیم. در این مانورها، معترضان فرضی خیابانی، دانشجو فرض شده و در جریان مانور، نیروی انتظامی وظیفه داشت برای مقابله با حرکت اعتراضی، دست به دستگیری و سرکوب معترضان بزند.

در جریان برگزاری نمایشگاه و در حواشی آن، مقامات نیروی انتظامی و نمایندگان مجلس از جمله حداد ظالم رئیس آن، علت همه این بحران ها را متوجه ماهواره ها و اینترنت کرده و راه حل را در مقابله با این دو پدیده دانستند. انگار قبل از آمدن ماهواره و اینترنت، هیچ مشکلی در ایران وجود نداشته است.

معاون پارلمانی نیروی انتظامی، فردای روز افتتاح نمایشگاه می گوید: "ملت ما نسبت به مسایلی از جمله فحشا حساسیت دارد و ماهواره و اینترنت در این ارتباط نقش بسزایی را ایفا می کنند." مسولان حکومت اسلامی در حالی به دیوار کوتاه اینترنت و ماهواره گیر داده اند که ایران یکی از عقب مانده ترین کشورها در استفاده از اینترنت است. برای نمونه در ایران تنها ۷ درصد از جمعیت کشور به اینترنت دسترسی دارند، اما در کره جنوبی این آمار به ۶/۶۵ درصد می رسد. تازه این درحالی است که بسیاری از سایت ها در ایران قابل دسترسی نبوده و یا به زحمت قابل دسترسی اند.

در ارتباط با ماهواره نیز باید گفت: "آنچه عیان است چه حاجت به بیان است." ایران تنها کشوری در دنیا است که استفاده از گیرنده های تلویزیونی ماهواره ای در آن ممنوع است. در قریب به اتفاق کشورهای دنیا، مردم به شبکه های تلویزیونی از طریق ماهواره آزادانه دسترسی دارند و در معدود کشورهایی نیز برخی محدودیت ها وجود دارد، کشورهایی به اندازه انگلستان دست.

اما در هیچ کدام از این کشورها که آمار استفاده از اینترنت بالاتر از ایران بوده و استفاده از شبکه های تلویزیونی از طریق ماهواره آزاد است، فجایع اجتماعی به گستردگی ایران نیست. ایران بالاترین آمار معتاد را در دنیا دارد. طبق آمار دولتی، ۴ میلیون نفر در ایران مواد مخدر مصرف می کنند که دو میلیون و پانصد هزار نفر از آنان معتاد هستند. طبق این آمار ۱۴۵ هزار نفر از معتادین هرویین مصرف میکنند و ۶۰ درصد از مبتلایان به ایدز از همین راه بیمار میشوند.

در ایران سن روسپی گری و باز براساس اعتراضات مقامات دولتی به ۱۳ سال و حتا کمتر رسیده است و این فاجعه ای است که در کمتر نقاطی از جهان قابل مشاهده است.

خودکشی، قتل، سرقت، تجاوز، آدم ربایی، رشوه خواری و فساد در دستگاه اداری، قضایی و پلیس، قاچاق دختران و زنان و کودکان و بالاخره آمار کودکان-- این قربانیان- خیابانی در ایران فاجعه انگیز بوده و یکی از بدترین کشورهای جهان است.

مدیر کل پزشکی قانونی قم به تازگی طی مصاحبه ای خبر از افزایش ۲۵ درصدی خودکشی در سال ۸۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن می دهد. براساس گزارش تشکل دولتی «سازمان ملی جوانان»، بهداشت روانی نیمی از جوانان زیر ۲۹ سال کشور نگران کننده است به طوری که ۳/۴ درصد جوانان در سلامت روانی خود دچار مشکل جدی بوده و ۲/۴۵ درصد از مشکلات روانی رنج می برند. براساس این گزارش خودسوزی از پدیده های شایع در کشور است. خودکشی در مردان بین سنین ۲۰ تا ۲۵ سال و در زنان بین ۱۶ تا ۲۰ سال است.

در مورد قتل، سرقت، تجاوز و آدم ربایی نیز به طور مرتب، روزانه اخباری در روزنامه ها منتشر می شود که همه ای آن تازه بخش اندکی از وقایع اتفاق افتاده در جامعه را در بر می گیرد. بنابر آمار دولتی تنها در خوزستان در شش ماهه اول سال، ۸۲ مورد قتل ناموسی و طایفه ای صورت گرفته و این تنها آمار یک استان است و آن هم در مورد یک نوع قتل.

رشوه خواری و فساد در دستگاه های دولتی به ویژه قضایی و پلیس به گونه ایست که مردم کوچکترین اعتمادی به آن ها ندارند. در ایران کسی که پول دارد پلیس، قاضی و بازپرس را هم دارد. از نگاه انسان های زحمتکش و فقرا ای جامعه، پلیس و قاضی شریک دزدان و قاتلان اند. آمار کودکان خیابانی و قاچاق دختران و زنان و کودکان در ایران می رود تا گوی سبقت را از سایر کشورها بر باید (در ارتباط با کودکان خیابانی رجوع شود به نشریه کار شماره ۴۵۳ مقاله "کودکان کار").

جمهوری اسلامی که از روی ناچاری و عمق فاجعه به طرح این موضوع پرداخته، در حالی سعی در "گم کردن سوراخ دعا دارد" که هر هیچ انسان منصفی عمق این فاجعه پوشیده نیست. فاجعه ای که ریشه در مناسبات طبقاتی، فقر و رژیم سیاسی حاکم دارد.

فاجعه قتل کودکان پاکدستی، نمونه ی بارزی از این فجایع و علل شکل گیری آن است. کودکانی که قربانی فقرشان شدند. کودکانی با آرزوهای کوچک که حق زندگی داشتند و این حق را بحران اجتماعی حاکم از آن ها گرفت. و این فجایع هر روز و به ویژه در خانه ی کارگران و زحمتکشان، در میان توده های تهیدست تکرار می شود و صدای گریه و شیونی که "جمهوری اسلامی" هرگز گوشه ی برای شنیدن آن نداشته و نخواهد داشت.

چندی پیش رییس سابق سازمان مدیریت و برنامه ریزی حکومت اسلامی، خط فقر برای خانوار ۵ نفره را ۲۵۰ هزار تومان اعلام کرد، اعلام این

مبلغ (اگر چه با میزان واقعی هنوز فاصله زیادی دارد) در حالی صورت می گیرد که حداقل دستمزد کارگر برای سال جاری ۱۳۰ هزار تومان اعلام شده که این هم با وجود شرکت های پیمانکاری در عمل رعایت نشده و کارگران به شدیدترین وجهی استثمار می شوند. بنابر گفته ی معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی "۱۱ میلیون نفر از مردم در فقر بسر می برند و از این تعداد شش میلیون نفر به نان شب محتاجند". براساس آمار دولتی ۶/۲۵ درصد از جوانان ایرانی بیکارند که تازه بیکاری پنهان و بخش وسیعی از زنان شامل این آمار نمی شوند.

حکومت اسلامی در طول حیات اش با اتخاذ سیاست های اقتصادی به نفع طبقات دارا و علیه طبقات ندار و در کنار بحران مزمن اقتصادی، باعث تشدید و گسترش فقر شده و فاصله طبقاتی را به شکلی اعجاب آور افزایش داده است. تشدید نابسامانی های اجتماعی نتیجه طبیعی و مستقیم افزایش فاصله طبقاتی و تشدید فقر است که در عین حال فروپاشی زندگی تهیدستان را در پی دارد. نتیجه دیگر افزایش فقر، عدم رشد فرهنگی بخشی از جامعه است که به نوبه خود باعث بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی است.

در این بین، رژیم سیاسی حاکم نه تنها نقشی در کاهش این نابسامانی ها نداشته بل که همواره با ایدئولوژیکی کردن مشکلات، به تشدید آن ها دامن زده است. برای نمونه یک بخش از نمایشگاه "نیروی انتظامی" به موضوع اردوی دانشجویان اختصاص داشت و عکس هایی که از دانشجویان دختر و پسر در کنار هم گرفته شده بود به عنوان "مفاسد اجتماعی" در معرض دید مجلسیان قرار گرفت. چند ماه قبل نیز ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه ارومیه "به دلیل ایجاد ارتباط با نامحرم و عدم رعایت موازین قطعی و شرعی" به کمیته انضباطی دانشگاه احضار شده بودند. در واقع جمهوری اسلامی با منع کردن هر گونه روابط بین دختران و پسران و "شرعی و غیر شرعی کردن" این روابط، به سراغ بدیهی ترین روابط انسانی رفته و هرگونه روابط انسانی و عاطفی را ممنوع می کند. ایدئولوژیکی کردن روابط انسانی و تزییق احساس گناه به انسان ها، به ویژه جوانان و تحقیر این روابط، تنها اثرش رشد نابسامانی های اجتماعی است. این قبیل اقدامات که ریشه در رژیم سیاسی حاکم دارد، هرگز نابسامانی های اجتماعی را نشانه نمی رود. هدف اعلام نشده ی حکومت اسلامی از این قبیل اقدامات از سویی تشدید جو سرکوب و رعب بوده و از سوی دیگر به دنبال سرپوش گذاشتن بر عمق فجایع اجتماعی است.

فقر در خانه ی کارگران، زحمتکشان و بیکاران جامعه بیپوتنه کرده است و سایه ی هیولوار آن اساس زندگی شان را تهدید می کند. اکثریت عظیم قربانیان نابسامانی های اجتماعی از میان اقشار تهیدست جامعه هستند و تا وقتی که فقر از خانه های شان بیرون نرفته و مناسبات طبقاتی در جامعه حاکم است، آنان هم چنان قربانیان بزرگ این نابسامانی های اجتماعی خواهند ماند.

خلاصه ای از اطلاعاتی ها و بیانیه های سازمان

«کارگران زغال سنگ البرز غربی: ما کار می خواهیم، فقط کار، آیا جرم است» عنوان اطلاعاتی ای است که در تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۵۴ انتشار یافت.

در این اطلاعاتی خبر از تجمع اعتراضی کارگران معدن زغال سنگ البرز در مقابل دفتر احمدی نژاد و وزارت صنایع و معادن داده شده است.

اطلاعاتی می گوید که این کارگران ۹ ماه است که در پی تعطیل شدن معدن در بلاتکلیفی به سر می برند و حقوق مزایای آنها پرداخت نشده است.

پس از آن که دفتر احمدی نژاد با قول مساعد کارگران را روانه وزارت صنایع و معادن کرد، کارگران اعلام نمودند تا زمانی که پاسخ روشن و قطعی دریافت نکنند، وزارت صنایع و معادن را ترک نخواهند کرد.

«اعتراضات کارگران شرکت واحد، تازنخ و معلمان» عنوان اطلاعاتی دیگری است که در ۲۶ مهرماه انتشار یافت.

در این اطلاعاتی آمده است که کارگران شرکت واحد که به ویژه در چندماه گذشته، مبارزه متشکلی را برای تحقق مطالبات خود آغاز کرده اند، از روز گذشته، به این مبارزه شکل جدیدی داده اند و گروهی از رانندگان از کنترل بلیط مسافران خودداری کرده اند.

کارگران شرکت واحد خواهان توقف اقدامات ارتجاعی دولت و تشکلی های وابسته به آن علیه تشکلی مستقل کارگران، بازگشت فعالین سندیکائی اخراج شده به سر کار، محاکمه و مجازات اوباشانی که به دفتر سندیکا حمله کرده و برخی از فعالین آن را مورد ضرب و شتم قرار داده اند و مجموعه ای از مطالبات صنفی در مورد دستمزد، ساعات کار، کمک راننده و غیره اند.

در این اطلاعاتی همچنین خبر از تجمع کارگران کارخانه نازنخ و معلمان حق التدریسی در مقابل مجلس و نیز تجمع اعتراضی کارگران اخراجی کشت و صنعت مغان در مقابل استانداری و تجمع نساجی غرب کرمانشاه در مقابل ساختمان اداره کار داده شده است.

در تاریخ اول آبان ماه سازمان با صدور اطلاعاتی ای، تهدیدات رژیم علیه کارگران نساجی کردستان را محکوم کرد.

در این اطلاعاتی گفته شده است که یک ماه پس از آغاز اعتصاب کارگران کارخانه نساجی کردستان، رژیم ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی در تلاش است با قهر و سرکوب، ایستادگی و مقاومت قهرمانانه کارگران را درهم بشکند.

در این اطلاعاتی، سازمان ما خواهان تحقق مطالبات کارگران نساجی کردستان، از جمله لغو قراردادهای موقت، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، امکانات ایمنی و بهداشت محیط کار، پرداخت مطالبات معوقه کارگران و بازپرداخت وجوه برداشتی کارفرما از صندوق تعاونی، برای پایان یافتن اعتصاب شده است. کمیته خارج از کشور سازمان، در تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۰۵ اطلاعاتی ای تحت عنوان «پناهجویان را در یابیم» انتشار داد.

در این اطلاعاتی آمده است که بار دیگر یکی از متقاضیان پناهندگی در ترکیه، اقدام به خودکشی کرده است. فاطمه توکلی یکی از صدها پناهجویی است که پس از چهارسال انتظار برای رسیدگی به تقاضای پناهندگی وی، وقتی با جواب رد از طرف کمیساری عالی پناهندگی در ترکیه روبرو شد، در هراس از دستگیری توسط پلیس ترکیه و دیپورت به ایران، دست به خودکشی زد که خوشبختانه از خطر مرگ نجات یافت.

اطلاعاتی کمیته خارج سازمان ضمن اعتراض و محکوم کردن سیاست های کمیساری پناهندگی خواهان آن شده است که پناهجویان از نظر امنیتی، قانونی و مالی تحت حمایت سازمان ملل قرار گیرند. پرونده متقاضیان سریعاً رسیدگی شود و آنها به کشوری امن انتقال یابند و به درخواست پناهندگی فاطمه توکلی به فوریت رسیدگی شود و وی به یکی از کشورهای پناهنده پذیر انتقال یابد.

در حال خاک خوردن هستند. وی هم چنین به تعطیلی ۵ هزار و ۵۰۰ واحد صنعتی در ایران اشاره کرد که منجر به بیکاری هزاران کارگر گردیده است.

۸۰ درصد کودکان خیابانی ایران، کودکان کارند
طبق تحقیقاتی که از ۴۱۳۳ نفر از کودکان خیابانی در ایران انجام شده، ۷۳ درصد از این کودکان به بیماری های چشمی، ۶۱ درصد بیماری های تنفسی، ۶۴ درصد بیماری های قلبی، ۶۹ درصد دارای اختلال شنوایی، ۸۲ درصد بیماری های پوستی دارند.

این در حالی است که بر طبق تحقیقات این منبع دولتی، ۸۰ درصد کودکان خیابانی ایران، کودکان کار هستند که در صورت عدم اشتغال، خانواده آن ها دچار مشکلات بیشتری در تامین معاش می شوند.

نابینایان و رحمت اسلامی

از حدود ۱۲۰ هزار نابینای مطلق در کشور، سازمان بهزیستی تنها به ۳۴ هزار نفر خدمات ارائه می دهد و بقیه وابسته به خانواده های شان بوده و هیچ حمایت و خدماتی دریافت نمی کنند.

است و در صورت اخراج نیز چون کارگر قرار دادی است، بیمه بیکاری به آن تعلق نمی گیرد.

اخراج کارگران

۱۸۰ کارگر کارخانه "نفس ایران" قزوین به بهانه تغییر ساختار در شرکت و با حمایت اداره کار این شهر، از کار اخراج شدند. در طول سال های اخیر تعداد کارگران رسمی این کارخانه از ۱۱۰۰ نفر به ۲۵۰ نفر کاهش یافته است.

هم چنین نماینده خود خوانده ی کارگران زنجان گفته است در بیشتر نقاط کشور از جمله استان زنجان برخی واحدهای قدیمی و اشتغال زا یا تعطیل شده و یا با ظرفیت بسیار پایین کار می کنند. از جمله این کارخانه ها در استان زنجان وی به کارخانه های "چینی هیس"، "چینی نور"، "کیان چرخ" و "ماه نشان" اشاره کرد که با تعطیلی این شرکت ها کارگران این کارخانجات از کار اخراج شدند.

نماینده خودخوانده کارگران کاشان نیز اخیراً گفته است که در شهر کاشان که زمانی مادر صنعتی نساجی ایران بوده از کارخانه های نساجی تنها تابلوهای شان مانده و دستگاه ها و ماشین آلات

را وادار به عضویت در تشکلی کند که برخلاف میل آنان تشکیل شده است. کارگران حق دارند اعصاب و اعتراض کنند. این یک حقوق شناخته شده مسلم در جهان است.»

هم چنین اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری راه و ترابری اسپانیا و بریتانیا از اقدام اعتراضی کارگران شرکت واحد حمایت کردند.

ایران جزو خطرناکترین کشورهای دنیا برای

تشکلی های کارگری

بر اساس گزارش سالانه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری که محل آن در بروکسل است، ایران یکی از خطرناکترین کشورهای جهان برای سندیکاهای و اتحادیه های کارگری به شمار می آید. این گزارش روز ۲۶ مهر منتشر شده است. در این کنفدراسیون که بیش از ۱۴۵ میلیون نفر عضو هستند، اتحادیه های کارگری بیش از ۱۵۰ کشور جهان در آن عضویت دارند.

تضییع حقوق پرستاران

در حالی که حداقل حقوق طبق قانون کار ۱۲۶ هزار تومان است، بسیاری از پرستاران همین حداقل را هم دریافت نمی کنند. این پرستاران که به صورت قرارداد موقت و یا توسط شرکت های تامین کننده نیروی کار (پیمانکاری) به کار گمارده می شوند، فاقد مزایایی چون بازنشستگی، طبقه بندی مشاغل و ساعات کاری هستند و در بدترین شرایط کاری به کار گرفته می شوند. این پرستاران بیشتر در بخش خصوصی مشغول به کار هستند.

زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین حقوق کارگران زن

توسط مدیریت ایران خودرو

مدیریت شرکت ایران خودرو طی اطلاعاتی ای خطاب به کارگران زن کارخانه اعلام کرده است که از تاریخ ۱۶ مهر استفاده از لباس یک شکل اجباری می باشد و حضور کارگران زن تنها با استفاده از این لباس برسر کار میسر خواهد بود.

از نان برسر سفره کارگران شهرداری تا پول

نفت

کارگران شرکت های پیمانکاری طرف قرارداد با شهرداری منطقه یک تهران در ازای ۱۰ ساعت کار شبانه (۹ شب تا ۷ صبح) تنها ۱۱۰ هزار تومان حقوق می گیرند و فاقد هر گونه مزایای شغلی از جمله حق مسکن و اولاد، بن کارگری و غیره هستند. کارگران شهرداری که در زمان شهرداری احمدی نژاد نان را هم به زور بر سر سفره شان می دیدند، حالا باید منتظر وعده ی پول نفتی باشند که قرار است احمدی نژاد در دوره ی به اصطلاح ریاست جمهوری اش برای آن ها ارمغان بیاورد!!

کارخانه های پاکدشت و کارگران قراردادی

۸۰ درصد کارگران کارخانه های پاکدشت به صورت قراردادی کار می کنند. بسیاری از آنان تنها ۸۰ هزار تومان حقوق می گیرند و این در حالی است که برخی مانند کارگران کارخانه "هانی" حتی فاقد بیمه درمانی هستند. نیمی از کارفرمایان این منطقه به کارگران عیدی و سایر مزایا نمی دهند و کارگران به خاطر قرارداد سفید امضاء، کاری از دستشان بر نمی آید.

از محسنات دیگر کارگر قراردادی برای کارفرما این است که کارگر حق مرخص شدن نیز ندارد. چون اگر مرخص شده و کارفرما موضوع با خبر شود، کارگرفوق در خطر از دست دادن کارش

نقش جنبش کارگری، در روند تحولات سیاسی ایران

سرتا پای آن را بحران فراگرفته است، نیست. عامل تعیین کننده، بی سازمانی توده های وسیع مردم و این واقعیت است که طبقه کارگر ایران، نتوانسته است به صورت یک طبقه متشکل، جنبش اعتراضی توده ای را رهبری کند و قدرت را به چنگ آورد.

در نتیجه همین ضعف جنبش است که نیروی سرکوب با درهم کوبیدن جنبش های اعتراضی بی سازمان و جدا از یک دیگر، کارائی پیدا می کند و موجودیت رژیم حفظ می شود. در نتیجه همین ضعف است که یک گروه از هیئت حاکمه می تواند برای مدتی توده مردم را با شعار اصلاحات فریب دهد و به دنبال خود بکشانند و در مقطعی دیگر، ولو اقلیتی از توده ناآگاه مردم، شعارهای عوام فریبانه عدالت و رفاه را از جانب گروهی دیگر از همین هیئت حاکمه جدی بگیرد.

اما روشن است که این وضعیت ناپایدار نمی تواند برای مدتی طولانی دوام آورد و ادامه یابد. چرا که ادامه این وضع به معنای فروپاشی و سیر قهقرائی جامعه خواهد بود. این بحران بالاخره باید در جایی حل شود. خواه به شکلی انقلابی و پایدار و یا به شیوه ای ارتجاعی و موقت.

جمهوری اسلامی و تمام جناح های هیئت حاکمه در عمل نشان داده اند که قادر به حل این بحران نیستند. آنها هم با به کارگیری تاکتیک های سرکوبگرانه و هم تاکتیک های به اصطلاح لیبرالی، این شکست و ناتوانی خود را نشان داده اند. دلیل این شکست هم روشن است. از تمام عوامل دیگری که در این شکست مؤثرند، بگذریم، اساسا وجود جمهوری اسلامی و موجودیت آن مانعی است بر سر راه حل بحران. اما در مورد اپوزیسیون های بورژوازی جمهوری اسلامی، چه می توان گفت؟

این حقیقت را نمی توان نفی کرد که آنها تحت شرایط استثنائا مساعدی بتوانند این بحران را ولو موقتا به شکلی ارتجاعی- بوروکراتیک حل کنند. اما یک پیش شرط مهم لازم دارد که نبود جمهوری اسلامی است. آنها نمی توانند با وجود جمهوری اسلامی، قدرت سیاسی را به دست آورند. جمهوری اسلامی به ویژه اکنون که حتی امثال خاتمی- کربوبی را هم نمی تواند تحمل کند، به طریق اولی اپوزیسیون بورژوازی خود را تحمل نخواهد کرد. بنابراین، شرط قدرت گیری آنها سرنگونی جمهوری اسلامی است. اما جمهوری اسلامی سرنگون نخواهد شد، مگر آن که توده های کارگر و زحمتکش آن را سرنگون کنند. این البته آن چیزی نیست که بورژوازی اپوزیسیون خواهان آن باشد. چون سرنگونی جمهوری اسلامی توسط توده های کارگر و زحمتکش یعنی انقلاب و این انقلاب طغیان علیه تمام نظم موجود خواهد بود.

یک راه دیگر برای کسب قدرت سیاسی توسط بورژوازی اپوزیسیون منصور است و آن مداخله نظامی قدرت های بزرگ جهانی می باشد که آن هم در شرایط کنونی منتفی است. بنابراین طبقه سرمایه دار حاکم بر ایران و نمایندگان سیاسی آنها

در کلیت شان وظیفه ای برای حل بحران سیاسی موجود ندارند.

آن چه باقی می ماند، راه حل انقلابی بحران، با توجه به رادیکالیزه شدن روز افزون جنبش های اجتماعی موجود و نقش فزاینده ای است که طبقه کارگر در مبارزه کسب می کند. این واقعیتی است انکارناپذیر که جنبش های اجتماعی فعال در ایران امروز، در شرایطی به کلی متفاوت از دورانی قرار دارند که با به قدرت رسیدن گروه های موسوم به اصلاح طلب رژیم، موج لیبرالیسم همه جا را فراگرفته بود و توهم به اصلاح وضع موجود، در میان بخش بزرگی از مردم حاکم بود. شکست گروه های موسوم به اصلاح طلب حکومت، به معنای شکست نظریه بورژوازی استحاله لیبرالی رژیم جمهوری اسلامی و درهم شکستن توهم بهبود اوضاع در چارچوب نظم موجود بود.

تمام مدعیان اصلاح طلب نظم موجود که بر صحنه سیاسی جامعه ظاهر شدند، ناتوانی و شکست خود را به همگان نشان دادند و یکی پس از دیگری از این صحنه ناپدید شدند.

اکنون ما در شرایطی قرار گرفته ایم که صحنه مبارزه واقعی در اختیار دنیرونی است که یکی باتمام قدرت برای حفظ نظم موجود تلاش می کند و تمام وسائل سرکوب طبقه حاکم را به خدمت گرفته است و در برابر آن جنبش های رادیکالی قرار گرفته اند که خواهان نابودی این قدرت اند و به چیزی کمتر از برچیده شدن کامل جمهوری اسلامی رضایت نمی دهند.

اصلی ترین و مهمترین نیروی فعال عرصه این مبارزه، جنبش طبقاتی کارگران ایران است. وسعت و دامنه مبارزات این جنبش هم اکنون به حدی رسیده است که مطبوعات و خبرگزاری های وابسته به رژیم نیز به ناگزیر همه روزه اخبار تعدادی از اعتراضات کارگران را منتشر می سازند.

این مبارزات که اشکال بسیار متنوعی به خود گرفته اند، دیگر محدود به چهاردیواری کارخانه نیستند. هنگامی که مطالبات کارگران متحقق نمی شود، آنها مبارزه را به خارج از کارخانه، به خیابان های شهرها، جاده ها و مراکز پررفت و آمد می کشانند. راهپیمائی و تظاهرات می کنند. خیابانها و جاده ها را می بندند. در مقابل ارگان ها و نهادهای دولتی، اجتماعات اعتراضی تشکیل می دهند و بالاترین مقامات دولتی را مورد سؤال قرار می دهند.

این مبارزات، بیانگر چیز دیگری جز رشد فزاینده آگاهی، همبستگی و تشکل در صفوف طبقه کارگر ایران نیست. درست است که این مبارزات هنوز عمدتا برای تحقق مطالبات اقتصادی اند اما مبارزه ای صرفا اقتصادی نیستند. کارگرانی که برای تحقق مطالبات خود دیگر به اعتصاب بسنده نمی کنند، بلکه در خیابانها و جاده ها تجمع می کنند و رودروری دولت و نیروی مسلح آن قرار می گیرند و مطالبات خود را برای عموم مردم توضیح می

در صفحه ۲

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
(اقلیت) ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):
۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No 464 october 2005

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - بوقرار باد حکومت شورایی